

[تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل 1](#_Toc95595421)

[تفصیل بین قضایای حقیقیه و خارجیه 1](#_Toc95595422)

[بررسی قضایای حقیقیه توسط استاد 1](#_Toc95595423)

[بررسی قضایای خارجیه توسط استاد 2](#_Toc95595424)

[مختار مرحوم صدر نسبت به قضایای خارجیه 3](#_Toc95595425)

[اشکال استاد به مختار مرحوم صدر 3](#_Toc95595426)

[تفاوت بین اقل و اکثر شبهه مفهومیه و مصداقیه 4](#_Toc95595427)

[صیاغت مرحوم خویی در مقام تفاوت مذکور 4](#_Toc95595428)

**موضوع**: قاعده میرزائیه /تمسک به عام درشبهه مصداقیه خاص منفصل /عام وخاص

# تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل

بحث در تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل بود. دو بیان برای تمسک مطرح شد که هر دو بیان متعرض شدیم و جواب آنها هم تمام شد.

## تفصیل بین قضایای حقیقیه و خارجیه

کلمه ای که باقی مانده و در جلسه قبل غفلت شد تفصیل بین قضایای حقیقیه و خارجیه است. کأنّ قائل می­گوید در قضایای حقیقیه شک در انطباق است. همان طور که شک در انطباق خاص داریم شک در انطباق عام به مقداری که حجت است هم داریم. اما در قضایای خارجیه حکم بر خارج مترتب شده است در این صورت یکی از انطباقات هم مشکوک الفسق و العداله است لذا عام شامل مشکوک الفردیه می­شود.

### بررسی قضایای حقیقیه توسط استاد

این تفصیل وجهی ندارد. نسبت به تفسیر قضایای حقیقیه اختلاف وجود دارد. مرحوم نائینی می­فرماید: موضوع در قضایای حقیقیه فرض وجود شده است. ایشان مدعی است: تمام خطابات شرعیه به نحو قضایای حقیقیه است و حکم بر موضوع مفروض الوجود مترتب شده است و ممکن است در وقت جعل حکم اصلا موضوع وجود نداشته باشد. مثلا در لله علی الناس حج البیت معنایش این است: هر وقت مستطیعی موجود شد، حج وجوب دارد. تقریبا منقح این مباحث مرحوم نائینی است و مدعی است که قضایای شرعیه به نحو قضایای حقیقیه هستند و حکم بر موضوع مفروض الوجود مترتب شده است بنا بر این ایشان در این جا راحت است. یعنی حکم بر عالمی که فاسق نباشد، وجوب اکرام دارد و در مشکوک الفسق وجوب اکرام ندارد.

ما می­گوییم هر چند قضایای شرعیه مثل قضایای خارجیه نیست که حکم بر خارج مترتب شده است مثل اکرم هولاء عسکر. اما این که ایشان فرموده است حکم بر موضوعی که فرض وجود شده است، ما نتواستیم بفهمیم. اگر گفت: اجتنب عن الخمر معنایش این نیست که اذا وجد خمر فاجتنب عنها. این خطاب اساسا می­گوید خمر را محقق نکن. اتفاقا در بعضی از مباحث سابقه در فقه مرحوم خویی می­گوید در بعضی از قضایا فرض وجود نشده است.

ما می­گوییم خطابات شرعیه به نحو قضایای خارجیه نیست. مردم از خطاب حج یک قاعده کلیه برداشت می­کردند. بر ذات مستطیع مترتب شده است اما این که فرض وجود شده باشد نتوانستیم بفهمیم. مثلا هر کس دو خانه دارد باید نسبت به خانه دوم مالیات بدهد. این یک قانون است. این که بگوییم اذا وجد.... تحلیل عقل است. وقتی که می­گوید عالمی که فاسق نیست، بر خارج مترتب نشده است و بر این عنوان مترتب شده است و فرض وجودی در کار نیست. مدعای مرحوم نائینی درست است که حجت ناتمام است و در عین حال تحلیل ایشان را قبول نکردیم.

علی ای حال، در قضایای حقیقیه موضوعی که حجت است بر مشکوک محرز نیست و حجت ناتمام است.

### بررسی قضایای خارجیه توسط استاد

اما نسبت به قضایای خارجیه گفته می­شود: این قضایا دو قسم هستند:

1. گاهی اوقات خود مولا در این قضایا تطبیق می­کند. تطبیق را به ید عبد نمی­دهد. مثلا می­گوید: اکرم هولاء علما و بر حاضرین در مجلس تطبیق می­کند. من یقین دارم عالم فاسق وجوب اکرام ندارد. در این جا اگر شک کردیم که یکی از این افراد فاسق است، از تطبیق مولا کشف می­شود که همه عائل هستند. در حقیقت در این جا شک در اصل تخصیص داریم که آیا در این تطبیق تخصیصی هم دارد یا نه، می­گوییم اکرم العلما همه را شامل می­شود.
2. گاهی اوقات تطبیق را به ید عبد می­دهد. از کجا بفهمیم تطبیق به عبد داده شده است؟ اگر مولا گفت اکرم هولاء علما و بعد گفت: و لا تکرم فساقهم و معین نکرد که چه کسی فاسق است. در این جا اگر شک کردیم به عام نمی­توانیم تمسک کنیم. با این که قضیه خارجیه است ولی باز ضیق شده است. یعنی اکرام عالم واجب است چون که فاسق نیستند. ما هم شک داریم که این فرد داخل در عنوان حجت است یا خارج. در این جا هیچ فرقی بین قضیه خارجیه و حقیقیه نیست.

کسی که تفصیل بین دو قضیه داده است، التفات به این دو قسم مذکور نداشته است. در قسم اول تمسک جایز ولی نه بخاطر این که قضیه خارجیه است بلکه به خاطر تطبیق مولا است. در قضیه حقیقیه که همیشه تطبیق به دست عبد است و چه خارجیه باشد که تطبیق آن به دست عبد است، تمسک به عام جایز نیست.

بله؛ اگر قضیه خارجیه باشد و تطبیق آن به دست عبد باشد، تسمک به عام جایز است به خاطر این که از تطبیق مولا کشف می­کنیم که این مشکوک از افراد عادل است و الا مولا نمی­گفت همه این اشخاص را اکرام کن.

## مختار مرحوم صدر نسبت به قضایای خارجیه

یک بیانی از مرحوم صدر در همین زمینه مطرح شده است. ایشان هم تمسک به عام را در شبهه مصداقیه مخصص جایز دانسته است با سه شرط: اولا قضیه خارجیه باشد و ثانیا تطبیق به دست عبد نباشد و ثالثا یقین نداشته باشیم فردی از آن خارج شده است. ( در بعضی از موارد استاد این گونه تعبیر کرد: یقین داشته باشیم که هیچ فردی خارج نشده باشد) مثلا گفت: اکرم هولاء علما، قضیه خارجیه است و تطبیق به دست عبد نیست چرا که مخصص نیاورده است و الا تطبیق را به دست عبد داده است و همچنین یقین نداریم که فردی هم خارج شده باشد. ایشان شرط سوم را ا ضافه کرده است. در مثال مذکور یقین داریم که هیچ شخصی خارج نشده است ولی شک در خروج داریم. در اینجا تمسک به عام می­شود.

اگر یقین داریم که یکی از آن افراد خارج شده است و نسبت به فرد دومی شک داریم در این صورت نمی­توان به عام تمسک کرد.

ایشان گفته است شاید این تعبیر از این قبیل باشد: «لعن الله بنی امیه قاطبة» این تعبیر قضیه خارجیه است چرا که ممکن است شخصی از بنی امیه بعد از آن زمان بیاید و خیلی آدم خوبی باشد. اصلا اگر حقیقیه باشد کذب است. تطبیق را هم به دست عبد نداده است. خودش تطبیق کرده است. حالا اگر یقین داریم یکی از آنها خوب است در دومی شک کردیم به عام نمی­توان تمسک کرد. اما اگر یقین نداریم یکی از آن افراد در آن زمان خارج شده است، در هر مشکوکی می­توان تمسک کرد.

### اشکال استاد به مختار مرحوم صدر

ما می­گوییم فرقی نیست. لعن الله بنی امیه قاطبه در آن زمان بالاخره کسانی بودند که خارج بودند. بعضی از روات ما نسب آنها به بنی امیه می­رسند. یقینا بعضی از آنها ادم های خوبی بودند. ما می­گوییم وقتی که خود مولا تطبیق می­کند تا یقین نداریم به عام تمسک می­کنیم. وقتی که خودش تطبیق کرده است، عقلش بهتر از من می­فهمد.

خلاصه: در قضایای خارجیه که جای تطبیق مولا را دارد وقتی که مولا تطبیق می­کند و به دست عبد نداد، هر کجا شک داشتیم که مطلوب مولا است تطبیق مولا بر شک ما مقدم است. با تطبیق مولا شک خودمان را مرتقع می­کنیم.

### تفاوت بین اقل و اکثر شبهه مفهومیه و مصداقیه

تا به حال این گونه شد: تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل که شبیه اقل و اکثر مفهومی است و اگر مشکوک را شامل بشود اکثر است و اگر شامل نشود اقل است، جایز نیست ولی در شبهه مفهومی اقل و اکثر تمسک به عام جایز است. نکته این تفصیل این است: مخصص مجمل مفهومی نسبت به اکثر، عام را نمی­تواند تضیییق کند پس عام به عمومش نسبت به مشکوک باقی و حجت است بر خلاف مصداقیه که عام را تضییق کرده است و در صورت شک، شک در انطباق موضوع حجت است.

### صیاغت مرحوم خویی در مقام تفاوت مذکور

این مطلب را در محاضرات با یک صیاغت خوبی بیان کرده است: ما دو نوع حجت داریم. گاهی اوقات حجت، حجت در مقام عمل است یعنی نسبت به عمل منجز دارید که در این صورت نیاز به احراز کبری و صغری دارد. باید بدانیم که خمرحرام است و این مورد هم خمر است. در این جا است که می­گوید حجت باید تمام باشد لذا در شبهات موضوعیه برائت جاری می­کنند به خاطر این که صغری محرز نیست.

گاهی اوقات معنای حجت، حجت در مقام افتاء است که حجت بر حکم شرعی داریم و مستند فتوای مجتهد است. در حجت بر افتا کبری باید احراز شود و ربطی به صغری ندارد. همین که خداوند بگوید خمر حرام است کافی است.

در محل کلام گفته می­شود: نسبت به شبهه مصداقیه حجت به معنای اول است. الان نمی­دانیم عالم غیر فاسق بر این فرد منطبق است یا نه. این حجت در مقام امتثال و حجت قاصر است. بر خلاف شبهه مفهومیه که لا تکرم فساق من العلما حجیت خود کبری ناتمام است. بعد گفتیم نسبت به مرتکب کبیره حجیت تمام است پس لا تکرم الفساق را ضیق می­کند. در مرحله حجت ما نسبت به قدر متیقن مشکلی ندداریم و نسبت به ما زاد حجت ناتمام است.

حجیت خاص در شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثربه معنای دوم است. آن حجیت نسبت به قدر متیقن تمام است و نسبت به ما زاد حجیت ناتمام است و عام حجت است.

این که می­بینید در شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثر تمسک به عام جایز است، حجت به معنای دوم است و نیاز به احراز صغری ندارد بر خلاف حجت در شبهه مصداقیه که نیاز به احراز صغری دارد.

به عبارت قصیره، در شبهه مفهومیه، اکثر داخل در عام است و عام بر اکثر حجت است بر خلاف شبهه مصداقیه که شک دایم که آیا این مصداق داخل در ما هو الحجة است یا نه، حجیت به معنای اول در ناحیه عام منقح شده است و آن وجوب اکرام در عالم غیر فاسق است. در شبهه مصداقیه حجیت به معنای اول مشکل دارد که احراز صغری نیاز دارد و چون که صغری محرز نیست حجت ناتمام است.

همان طوری که مرحوم خویی فرموده است: عدم جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص منفصل واضح است. در میان قدماء هم کسی تصریح نکرده است به این که تمسک جایز است.

ادامه بحث در جلسه آینده.